

با بحران و تورم افسارگسیخته چیزی برای از دست دادن باقی نمانده است

در آغاز سالی که خامنه‌ای سال "مه‌ار تورم" نامید، تورم آنچنان افسار گسیخت که تنها در طول یک ماه به اندازه یک سال سفره‌های کارگران و زحمتکشان کوچکتر شد. از مسکن که به اعتراف آمارهای رسمی در طول تنها سه ماه بیش از ۴۰ درصد افزایش بها را تجربه کرد، تا تخم‌مرغ شانه‌ای ۱۰۰ هزار تومان و مرغ کیلویی ۸۵ هزار تومان، آن هم اگر پیدا شود یا بعد از ساعت‌ها در صف ایستادن نصیبتان شود. از کمیاب شدن و گرانی دارو تا بیماری‌هایی که درمان آن‌ها باز به اعتراف آمارهای رسمی میلیاردها تومان هزینه دارد. هزینه حمل و نقل عمومی نیز از ۴۰ تا ۶۵ درصد بصورت رسمی افزایش یافت. حتی کتاب‌های درسی نیز به دلیل عدم واریز یارانه ۸۰ درصد گران شدند.

بهای دلار تنها در سه روز اخیر سه هزار تومان افزایش یافت. ریال آنچنان بی‌مقدار شده است و آنچنان با شتاب ارزش خود را از دست می‌دهد که برای عمل جراحی در برخی از بیمارستان‌ها، متخصصان جراحی به جای ریال، ارز خارجی یا سکه طلا به طلب می‌کنند و هم‌زمان برخی از مدارس دلار را جایگزین ریال برای پرداخت شهریه کرده‌اند.

فسادی که سرتاپای نظم پوسیده حاکم را فرا گرفته به همراه بحران مالی جمهوری اسلامی و بحران اقتصادی رکود - تورمی نه فقط هیچ چشم‌اندازی برای بهبود وضعیت اقتصادی، از جمله کاهش بیکاری و مه‌ار تورم بر جای نگذاشته، بلکه با شتابی بیش از همیشه اوضاع اقتصادی و به تبعیت از آن وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان رو به وخامت گذاشته است.

در حالی که بانک مرکزی نرخ تورم را در پایان

در صفحه ۲

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای
چپ و کمونیست

از اعتصاب سراسری کارگران
نفت و گاز و پتروشیمی
پشتیبانی کنیم
در صفحه ۳

وحشت رژیم از گسترش اعتصاب سراسری نفت و همزمانی آن با اول ماه مه

از مدت‌ها قبل زمزمه اعتصاب سراسری کارگران غیررسمی خصوصاً کارگران پروژه‌های و پیمانی شاغل در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی وجود داشت. فشارهای معیشتی آوار شده بردوش این بخش از کارگران به‌شدت بالاست. فقر، گرسنگی و تنگناهای اقتصادی و ناتوانی تأمین هزینه‌های زندگی، ده‌ها هزار کارگر و خانواده‌های کارگری را به ستوه آورده است. اگرچه کارگران صنعت نفت با اعتراضات و اعتصابات سراسری و باشکوه خود در سال ۹۹، آن فضای رعب و سربازخانه‌ای حاکم در صنعت نفت را درهم شکستند، اما نمی‌توان انکار کرد که دستگاه امنیتی ارتجاع حاکم، برای مه‌ار کارگران نفت و جلوگیری از اعتراض و

در صفحه ۴



اعتراضات پرستاران و نیاز به اعتصابی سراسری

اعتراضات پرستاران از نیمه دوم فروردین سال جاری بار دیگر از سر گرفته شد. در طول سه هفته اخیر تجمعات متعددی در چندین شهر کشور در اعتراض به عدم تحقق مطالبات پرستاران، از جمله اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، برپا گردید.

روز پانزدهم فروردین، پرستاران بابل در مقابل بیمارستان روحانی شهر بابل تجمع کردند. در همین روز پرستاران اراک نیز در برابر

در صفحه ۶



کودک‌انی که کشته شدند، کودک‌انی که شکنجه و آزار دیدند

حیات این رژیم، سرشار از کشتار و سرکوب و شکنجه و زندان است. در تمامی این سال‌های سپری شده، به هر دوره ای از کارنامه این نظام سراسر جور و کشتار نگاه کنیم از چنگال آدمکشان آن خون می‌چکد. زخم‌های ماندگار و خونچکان باقی مانده از شکنجه و کشتار برومندترین فرزندان مردم ایران، آنچنان سنگین و دردناک و غیر قابل التیام است که با گذشت هر سال خشم و نفرتی عمیق بر جسم و جان توده های مردم ایران انباشته شده است. نفرتی عمیق

در صفحه ۱۰

روز سه شنبه، پنجم اردیبهشت ماه ۱۴۰۲، گزارش دیدبان حقوق بشر در مورد کشتار و شکنجه و آزار و اذیت کودکان در بازه زمانی موج نوین جنبش انقلابی ایران منتشر شد. گزارشی مستند از عمق کشتار و جنایتی که طی چند ماه گذشته بر سر کودکان و نوجوانان ایران آمده است. گزارشی که دست کم برای آنانی که از عمق جنایات جمهوری اسلامی در سال‌های دهه ۶۰ بی‌خبرند، بسیار تکان دهنده است. همه آنانی که ۴۴ سال حاکمیت جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند، به خوبی می‌دانند که دوران

با بحران و تورم افسارگسیخته چیزی برای از دست دادن باقی نمانده است

سال ۵/۴۶ درصد اعلام کرد و میزان تورم نقطه به نقطه را نیز اعلام نکرد، برخی از رسانه‌های داخل کشور با بررسی شاخص قیمت اسفند ۱۴۰۱ و مقایسه آن با شاخص قیمت اسفند ۱۴۰۰، میزان تورم نقطه به نقطه را ۹/۶۳ درصد اعلام کردند. مرکز آمار نیز به بهانه‌ی به روز رسانی قیمت‌ها با توجه به تغییر سال پایه، هنوز نرخ تورم اسفند گذشته را اعلام نکرده است. با این وجود همه می‌دانند که تورم واقعی بسیار بالاتر از نرخ‌های رسمی و دستوری بانک مرکزی و مرکز آمار است، حتا اتاق بازرگانی نیز تورم را ده درصد بالاتر از بانک مرکزی اعلام کرد.

نرخ بی‌سابقه‌ی تورم در حالی‌ست که حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته دولت ۲۰ درصد و دستمزد کارگران ۲۱ درصد افزایش یافته است، یعنی به‌مراتب کمتر از نصف تورم رسمی و این یعنی کوچکتر شدن سفره کارگران و زحمتکشان، آن هم در حالی که سرمایه‌داران و مقامات فاسد حکومتی روز به روز فربه‌تر می‌شوند. و باز از یاد نبریم که به دلیل بیکاری گسترده و قوانین حاکم بر بازار فروش نیروی کار، میلیون‌ها کارگر حتا همان حداقل دستمزد را دریافت نمی‌کنند و هیچ مزایایی نیز شامل آن‌ها نمی‌شود. به‌نوشته‌ی روزنامه "هم‌میهن" در برخی از مناطق، دریافتی یک سوم کارگران کمتر از حداقل دستمزد است. این در حالی‌ست که حقوق دختر ۲۱ ساله یک عضو شورای شهر تهران به‌عنوان رئیس دفتر وی، در سال گذشته ۳۳ میلیون تومان بود.

به‌غیر از خامنه‌ای، رئیسی و تعدادی دیگر از مجیزگویان دربار وی که همیشه "جمهوری اسلامی را سوار بر قطار پیشرفت" می‌خوانند، اوضاع آن‌چنان آشفته و وخیم است که بسیاری از مقامات فعلی و پیشین حکومت همچون احمدی‌نژاد و بویژه نتوریسین‌های نظم حاکم از بن‌بست نظم موجود سخن می‌گویند. کار به جایی رسیده که بسیاری از کسانی که با آب و تاب "برجام" را یگانه راه حل معضلات اقتصادی کشور اعلام می‌کردند، امروز می‌گویند که دیگر از "برجام" نیز کاری برنمی‌آید.

فرشاد مومنی یکی از همان نتوریسین‌های نظم حاکم می‌گوید: "انتظار می‌رود که قبل از مرگ سهراب، مسئولان حداقل مصالح معطوف به بقاء خودشان را بفهمند... مسائل فرعی و بسیار کم اهمیت را پررنگ می‌کنند تا مسائل اساسی را به حاشیه ببرند" (روزنامه اطلاعات ۷ اردیبهشت). هادایت‌الله خادمی نماینده پیشین و "اصولگرا"ی مجلس اسلامی و رئیس کنونی هیات مدیره "شرکت عملیات اکتشاف نفت" در گفت‌وگو با "نامه‌نیوز" (۴ اردیبهشت)، با بیان ناکارآمدی‌های جمهوری اسلامی در اکتشاف و بهره‌برداری از میادین نفت و گاز در حالی‌که دولت‌های قطر و عربستان در حال برداشت سریع و گسترده از میادین مشترک هستند، گفت: "یک ماه از سال هنوز نگذشته، تورم سرسام‌آور شده است. وضعیت تولید خوب نیست و بسیاری

از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی یا در آستانه تعطیلی هستند یا تعطیل شدند. دولت در هیچ حوزه اقتصاد موفق نبود. فرار بود سالی یک میلیون شغل ایجاد کند اما نه تنها اشتغالزایی نداشتیم بلکه با ریزش شغل مواجه هستیم. سالی یک میلیون مسکن نخواستیم هزار موردش را نشان دهند."

از جمله پس لرزه‌های شکست‌های پی‌درپی دولت و بحرانی که تمام نظم حاکم را به لرزه درآورده است، تشدید اختلافات در اردوی هیات حاکمه است. هر کس تلاش می‌کند تا شکست این سیاست‌ها را که ریشه در نظم موجود و رویای سیاسی حاکم دارد به گردن دیگری بیاندازد. از جمله شه‌ریار حیدری نائب رئیس اول کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی که از کمیسیون‌های مهم مجلس است، در گفت‌وگو با "خبرآنلاین" گفت: "چند نماینده با خواهش و وعده وعید یک طوماری جمع کردند برای آقای رئیسی و الان هم ۹۵ درصد آن‌ها خودشان پشیمان هستند. همه از مجلس و ملت عذرخواهی می‌کنند که چرا اصلا رئیسی را برای ریاست جمهوری دعوت کرده‌اند". او در حالی این سخنان را بر زبان راند که چند روز قبل‌تر خامنه‌ای (مولای شه‌ریار حیدری) از اقدامات برجسته کابینه تحت رهبری ابراهیم رئیسی تعریف و تمجید کرده بود.

واقعیت این است که نه تنها حکومت چاره‌ای برای مهار تورم و رکود اقتصادی حاکم ندارد، بلکه دولت غرق شده در فساد و تباهی به دیوار بلند و محکم بن‌بست رسیده و هیچ راه نجاتی برای آن متصور نیست. همین الان کمبود بنزین به یکی دیگر از معضلات بیشمار جمهوری اسلامی بدل شده است. در سال ۱۴۰۰ و نیمه اول ۱۴۰۱ جمهوری اسلامی بنزین صادر کرد و جالب آن که بهای بنزین صادر شده نصف بهای جهانی آن بود. اما از نیمه دوم سال گذشته ایران واردکننده بنزین از کشورهای ترکمنستان، ازبکستان و روسیه شد، آن هم ۱۵۰ دلار بالاتر از قیمت جهانی بنزین در هر تن!!! وضعیت آن‌چنان وخیم است که مدیر اسبق تامین و توزیع شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی پیشنهاد داد سهمیه آزاد بنزین حذف شود و به هر ماشین روزی تنها یک لیتر و نیم بنزین داده شود.

به اعتراف وزیر نفت برای حفظ سطح کنونی تولید، صنعت نفت به ۲۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و در غیر این صورت تا ۸ سال آینده نه تنها صادرات نفت و گاز به صفر خواهد رسید، بلکه برای تامین نیازمندی‌ها، ایران به واردکننده نفت و گاز تبدیل خواهد شد. وضعیت صنعت نفت آن‌چنان وخیم است که براساس برخی اخبارها حدود ۷۰ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت برداشت شده است و البته فراموش نکنیم که به دلیل فساد گسترده عملاً تمام پول‌هایی که عنوان سرمایه‌گذاری را با خود پدک می‌کنند، در نهایت از جیب تعدادی افراد معلوم‌الحال حکومتی سر در خواهد آورد، این در حالی‌ست که ادامه صادرات نفت و گاز و پتروشیمی برای

جمهوری اسلامی حیاتی است. هم اکنون براساس آمارهای رسمی میزان سرمایه‌گذاری ثابت منفی است.

به‌گفته‌ی فرشاد مومنی "بسیست سال است که گزارش‌های ترازنامه انرژی کشور می‌گویند روزانه بیش از ۱/۲ میلیون بشکه معادل نفت در فرایندهای تولید، انتقال و توزیع حامل‌های انرژی تلف می‌شود و هیچ کسی راجع به آن حرف نمی‌زند. دانما می‌گویند که قیمت تمام شده برق ما ۵ برابر آن چیزی هست که به مردم می‌دهیم". افزایش سرسام‌آور بودجه دستگاه‌های نظامی و امنیتی یکی دیگر از معضلات جمهوری اسلامی است که در کنار عواملی دیگر، منجر به کسری بودجه بالا و در ادامه افزایش نقدینگی و تورم شده است. ورشکستگی بانک‌ها یک معضل دیگر جمهوری اسلامی است به‌نحوی که سیستم مالی کشور کاملاً قفل شده است. جدا از دلایل اقتصادی، یکی از دلایل مهم ورشکستگی بانک‌ها فساد گسترده‌ای است که در سیستم بانکی کشور وجود دارد و دست مقامات دولتی در این فساد کاملاً هویداست.

براساس گزارش وبسایت "رادار اقتصاد" از وضعیت بانک‌های کشور، وضعیت ۱۹ بانک کشور بحرانی است. براساس این گزارش بانک‌های آینده، ملی، سرمایه، شهر، ایران زمین، دی، پارس‌پان و ملل براساس ماده ۱۴۱ قانون تجارت می‌باید منحل شوند. براساس این گزارش ۵۰ تا ۶۰ درصد تسهیلات پرداختی بانک‌ها تنها براساس روابط و به بیان دیگر "بین خودشان" بوده است که وصول تعداد زیادی از این تسهیلات در پرده ابهام قرار دارد، به‌طور نمونه سهم وام‌هایی که امیدی به وصول آن‌ها وجود ندارد در بانک سرمایه ۹۹ درصد، بانک صنعت معدن ۸۶ درصد و بانک آینده ۷۶ درصد است. بیش از این نیز در سال ۹۸ با ادغام چند بانک ورشکسته متعلق به نیروهای نظامی در بانک سپه، ۷۰ هزار میلیارد تومان کسری این بانک‌ها بر دوش مردم و اقتصاد بحران‌زده کشور افتاده بود.

بحران سیاسی، کاهش شدید ارزش ریال و خطر ورشکستگی بانک‌ها، بسیاری از صاحبان حساب‌های پس‌انداز را واداشته است تا برای حفظ قدرت خرید، پول‌هایشان را از بانک‌ها خارج و با آن سکه طلا و یا ارزهای خارجی بخرند. این مساله منجر به تشدید بحران بانک‌ها شد و جمهوری اسلامی با بالا بردن نرخ بهره و از سوی دیگر بستن مالیات بر دارندگان سکه طلا و مجبور کردن خریداران سکه به ثبت آن در سامانه سعی کرد تا مانع خروج پول از بانک‌ها شود. خروج پول از کشور نیز از سوی سرمایه‌داران به دلیل تکان‌های شدید سیاسی و کاهش اطمینان به بقای جمهوری اسلامی شدت گرفته است که افزایش خرید خانه در ترکیه در ماه‌های اخیر یکی از نمادهای آن است.

وضعیت آب، هوا، محیط‌زیست، برق و گاز نیز کاملاً روشن است. دومین دارنده ذخایر گازی شناخته شده در جهان، به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی در زمستان با کمبود گاز روبرو شد و در نتیجه نه فقط بسیاری از مردم در سرمای کشنده زمستانی بدون گاز ماندند، بلکه بسیاری از صنایع نیز مجبور به کاهش


شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست
اطلاعیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

از اعتصاب سراسری کارگران نفت و گاز و پتروشیمی پشتیبانی کنیم

کارگران پروژه ای در بیش از هشتاد شرکت پیمانی فعال در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی، مس، فولاد، معادن در استان های خوزستان، فارس و کهکویه بوشهر و کرمان اعتصاب کرده اند. این اعتصابات که از اول اردیبهشت آغاز شد تاکنون ادامه یافته و دامنه و ابعاد گسترده تری پیدا کرده است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با انتشار بیانیه ای تحت عنوان «با قدرت وارد اعتصاب شویم» اعلام کرده است که افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز تعطیلی جهت داشتن فرصتی برای بودن با خانواده ها از مطالبات محوری و فوری کارگران پروژه ای در این اعتصابات می باشد. این شورا در عین حال بر پیگیری دیگر مطالبات پاسخ نگرفته کارگران از جمله کوتاه شدن دست پیمانکاران مفتخور، بهبود و بالا بردن استاندارد وضع خوابگاه ها، غذاخوری ها، بهبود کیفیت سرویس های رفت و آمد و ایمنی محیط کار تاکید کرده است. کارگران همچنین تاکید کرده اند که کف دستمزد در مناطق نفتی نباید از ۲۰ میلیون تومان در ماه کمتر باشد. کارگران اعتصابی اعلام کرده اند تا تحقق خواسته هایشان به اعتصاب ادامه می دهند.

بر طبق آخرین گزارش ها گروهی از کارگران پیمانکاری های اژدر و طهماسبی در اصفهان، معدن مس درالو کرمان، کارگران پروژه ای در جاسک، کارگران مس سرچشمه در رفسنجان و فولاد مادکوش در بندرعباس، پرستاران در سنجند نیز در اعتراض به سطح پایین حقوق و دستمزدها در سال جدید، دست از کار کشیدند و به اعتصاب پیوسته اند. کارگران هفت تپه که از یک ماه پیش با دادن یک فراخوان عمومی از همه کارگران خواسته بودند تا جهت لغو مصوبه شورای عالی کار در مورد تعیین حداقل دستمزدها به اعتراض برخیزند، اکنون نیز با صدور یک بیانیه از اعتصابات کارگری حمایت نموده اند.

اعتصاب سراسری کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی برای افزایش دستمزدها در حالی ادامه دارد که سرکوب شدید و تفرقه افکنی نیروهای حراست حکومتی در محیط های کار، تهدید به اخراج و عدم امنیت شغلی، فقر و بیکاری و نگرانی از تأثیرات پیامدهای اعتصاب بر زندگی خانواده های کارگری در شرایط فقر و فلاکت اقتصادی کنونی مانند یک زنجیر و وزنه آهنین به دست و پای کارگران سنگینی می کند. سازماندهی این اعتصاب در شرایط دشوار کنونی بیانگر این واقعیت است که جنبش کارگری ایران با تکیه بر آگاهی و کاردانی فعالین و رهبران عملی خود و با تکیه بر تجارب مبارزاتی سال های گذشته می تواند بر این موانع سخت و دشوار غلبه کند و راه پیشروی خود را باز یابد. در شرایط کنونی و در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، گسترش و سراسری کردن اعتصابات کارگری جهت درهم شکستن تعرض رژیم به دستمزدها و زندگی و معیشت کارگران بطور عینی می تواند زمینه ساز اعتصاب عمومی سیاسی و پیشروی جنبش انقلابی جاری برای به زیر کشیدن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی باشد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن پشتیبانی کامل از اعتصابات کارگران نفت و گاز و پتروشیمی مناطق جنوب کشور، دیگر بخش های جنبش کارگری ایران را به حمایت و همبستگی با کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی فرا می خواند تا در حرکتی سازمان یافته و متحدانه علیه تعرض رژیم به سفره خالی کارگران و علیه دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، دست به اعتراض و اعتصاب بزنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۴ اردیبهشت ۱۴۰۲
۲۴ آوریل ۲۰۲۳

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

با بحران و تورم افسارگسیخته چیزی برای از دست دادن باقی نمانده است

تولید شدند. همین وضعیت در تابستان گذشته در مورد برق نیز بود و کمبود برق منجر به تعطیلی و نیمه تعطیلی برخی از صنایع شد. بویژه کاهش تولیدات فولادی و پتروشیمی به دلیل کمبود برق و گاز به دلیل ارزآوری آن ها برای جمهوری اسلامی بسیار گران تمام شد. کمبود آب به دلیل تغییرات آب و هوایی و عدم برنامه ریزی و سرمایه گذاری جمهوری اسلامی در امور زیربنایی آن، منجر به کاهش تولیدات کشاورزی، ورشکستگی و فقر دهقانان و مهاجرت میلیون ها روستایی به حاشیه شهرها شده است، روندی که در سال های اخیر با تشدید بحران بی آبی شدت یافته است.

جمهوری اسلامی اما در حالی که هزینه لازم را به امور زیربنایی، آموزشی، درمانی و مانند آن اختصاص نمی دهد، برای کاهش معضلات مالی خود، تنها به این فکر است که چگونه می تواند مردم را سرکسبه کند. از گرفتن مالیات بر فروش خانه تا سکه طلا. یکی از کارهای منحصر به فرد جمهوری اسلامی در این دوره فروش ارز با قیمت بالا به مردم بود تا به این ترتیب بتواند برای هزینه های سرسام آور نظام متکی به سلاح پول به دست آورد. اما وقتی که با معضل کمبود ارز خارجی به صورت اسکناس روبرو شد، طرح مضحک واریز دلار به حساب ارزی را پیش کشید. در واقعیت امر اما ارزی نیست که به حساب ارزی واریز شود و به اصطلاح موجودی ارزی صاحبان حساب تنها بر روی کاغذ خواهد بود و بیس.

افزایش بهای گاز، آب، برق و دیگر خدمات دولتی به اشکال مختلف، افزایش بسیار ناچیز حقوق نسبت به تورم، افزایش مالیات و عوارض گمرکی به نحوی که مستقیم و غیرمستقیم بر بهای کالاها تأثیر گذاشته و این گونه بار آن بر دوش کارگران و زحمتکشان می افتد، همگی از جمله سیاست هایی هستند که جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان و به منظور کاهش معضلات مالی خود اتخاذ کرده است، سیاست هایی که از جمله نتایج آن گسترش فقر، کاهش تقاضا و در نتیجه تشدید رکود است. هم اکنون بسیاری از کسبه خرد به زیر خط فقر رانده شده و یا ورشکست شده اند.

برای کارگران و زحمتکشان چیزی برای از دست دادن باقی نمانده است. روز به روز شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان بدتر می شود و کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه در میانه ی مرگ و زندگی در حال دست و پا زدن هستند. این اوضاع وخیم، متوقف نمی شود مگر آن که کارگران و زحمتکشان با برپایی انقلاب، جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، حکومت شورایی خود را برپا دارند و نظم پوسیده سرمایه داری را به گورستان تاریخ سپارند. این یگانه راه رهایی کارگران و زحمتکشان است.

وحشت رژیم از گسترش اعتصاب سراسری نفت و همزمانی آن با اول ماه مه



موج جدید اعتصابات کارگری

اخراج خواهند شد. وی حتی ادعا کرد جایگزینی نیروهای جدید آغاز شده است. مطابق اطلاعات موثقی که به دست ما رسیده است، به بسیاری از شرکتها و مراکز نفت و گاز و پتروشیمی ابلاغیههایی ارسال شده و از کارفرمایان و مسئولان این واحدها خواسته شده کارگران فاقد صلاحیت معرفی و اخراج شوند و نیروی جدید جایگزین آن شود. این ابلاغیهها بهطور محرمانه حتی به واحدهایی که تاکنون وارد اعتصاب جاری نشدهاند نیز ارسال شده است. دستگاه امنیتی رژیم نیز با ارسال پیامکهای تهدیدآمیز، از کارگران خواست به اعتصاب پایان دهند و فوراً به سرکار برگردند. در این پیامکها از کارگران خواسته شد با فراخوان "معاندین" برای اعتصاب همراهی نکنند و حضور در سرکار الزام آور اعلام شد. اقدامات سرکوبگرانه و ایجاد رعب و اضطراب در مراکز اعتصاب نشان می دهد که ارتجاع حاکم از اعتصاب یکپارچه و سراسری کارگران پروژه ای و گسترش آن به شدت وحشت کرده و سراسیمه شده است. اقدامات تهدید آمیز رژیم و ایجاد رعب و وحشت اما فاقد کارایی بوده است. یکی از کارگران اعتصابی در واکنش به پیامک ارسالی مزدوران امنیتی با یک بیت شعر چنین پاسخ داد: "در عاشقی گریز نباشد ز سوز و ساز، ایستادهام چو شمع مترسان از آتشم".

بهرغم تمام اقدامات تهدیدآمیز و سرکوبگرانه کارفرمایان و نهاد دولتی حامی آنها، اعتصاب سراسری کارگران پروژههای نفت و گاز و پتروشیمی که رسماً از اول اردیبهشت آغاز شده است تا امروز یکشنبه دهم اردیبهشت ادامه یافته و کارگران مصمم اند در روز اول ماه مه (یازده اردیبهشت) نیز به اعتصاب ادامه دهند. اعتصاب کارگران پروژههای، تعطیل کار و خواباندن چرخ تولید در صنعت نفت و برخی صنایع و مؤسسات دیگر که با اول ماه مه که روز جهانی کارگر است و کارگران در سراسر جهان با تعطیل کار و تجمع و اعتراض و تظاهرات خیابانی این روز را گرامی می دارند، گرمخورد و اهمیت این اعتصاب را دوچندان کرده است. اول ماه مه امسال نه فقط از این بابت که به تازگی سال ویژه ای را پشت سر گذاشته ایم که جنبش انقلابی برای سرنوشتی ارتجاع حاکم تا پله های نزدیک به آخر و آستانه سرنوشتی رژیم ادامه یافت و این فضا و شرایط کم و بیش نیز ادامه دارد، یک اول ماه مه ویژه است، بلکه همچنین از این بابت که هم اکنون ده ها هزار کارگر کار را تعطیل کرده در صفحه ۵

شدند. موضوع مرکزی اعتصاب، اعتراض به پایین بودن دستمزد و مخالفت با مصوبه مزدی دولت بود. دهها هزار کارگر پروژههای با خواست ۷۹ درصد افزایش دستمزد و ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت به کارزار مبارزه علیه مصوبه مزدی دولت و کمپین مبارزاتی ۱۴۰۲ پیوستند. اهمیت اعتصاب فقط در این نیست که کارگران مبارز پروژههای و پیمانی باز دیگر یک اعتصاب فراگیر و سراسری در نفت را سازمان داده اند، بلکه از این زاویه نیز بسیار مهم است که توانست کارگران برخی دیگر از صنایع را نیز با خود همراه کند. قلب اعتصاب گرچه در نفت و مناطق جنوب تپیدن آغاز نمود، اما در صنعت نفت و شهرهای جنوب محصور نماند. ترکشهای اعتصاب خیلی زود و از همان لحظات اولیه به قلب سایر صنایع از نمونه فولاد و معدن نیز اصابت کرد و تا دورترین شهرها امتداد یافت. کارگران دهها کارخانه و شرکت فولاد از جمله؛ فولاد شادگان، فولاد غدیر نیریز، فولاد آلیاژی یزد، فولاد گل گهر، فولاد صنعت اطلس، گستر فولاد، فولاد سیرجان، فولاد ماد کوش بندرعباس، مجتمع پایا فولاد کویر یزد، فولاد خیام نیشابور، فولاد خوزستان و چندین معدن مانند معدن مس سرچشمه، مس خاتون آباد، مس درالو کرمان، مس بردسیر کرمان، مس رفسنجان و برخی واحدهای ماشین سازی، مجتمع صنایع لاستیک یزد و برق و انرژی را نیز درگرفت.

گستردهی اعتصاب سراسری در نفت و گاز و پتروشیمی و تسری آن به برخی صنایع و کارخانههای دیگر به ویژه در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، طبقه سرمایه دار حاکم و دولت این طبقه را به هراس افکند. سرمایه داران و کارگزاران آنها از همان روزهای نخست اعتصاب، مذبوحانه تلاش کردند با اقدامات سرکوب گرانه و تفرقه انگیز، اعتصاب را به بیراهه برند و آن را به شکست بکشاند. در برخی



مراکز تلاش شد با طرح مسائل قومی و طایفه ای، بومی گری و امثال آن میان کارگران شکاف و چندقسنگی ایجاد کنند. برخی رؤسا و مدیرعامل شرکتها کارگران اعتصابی را به اخراج فله ای و دسته جمعی و استخدام کارگران جدید تهدید کرده اند. در عسولویه رسماً موضوع اخراج ۴ هزار کارگر مطرح و به کارگران اعلام شده این ۴ هزار نفر با نیروی کار جدید از کشور فیلیپین، چین، ونزولا و هند جایگزین خواهند شد. اسدی مدیرعامل سازمان منطقه ویژه پارس اعلام کرد این تعداد کارگر که در ۸ طرح پتروشیمی این منطقه دست به اعتصاب زده اند

اعتصاب، از ۹۹ تاکنون نیز به هر کاری دست زده است. صدها کارگر پیشرو و فعال اعتصاب را به مراکز امنیتی و قضایی احضار و بازداشت نموده و مورد بازجویی قرار داده است. به پرونده سازیهای گسترده علیه کارگران روی آورده و از طریق تلفن با ارسال پیامک، رسماً کارگران پیشرو را مورد انواع تهدیدها حتی تهدید جانی قرار داده است. بنابراین علاوه بر فشارهای فزاینده معیشتی و اقتصادی، فشارهای پلیسی و اقدامات سرکوب گرانه نیز در مراکز نفت و گاز و پتروشیمی و حفاری فزونی یافته است. همپای این فشارها، ناراضیاتی در صفوف کارگران نفت به ویژه کارگران پروژههای و پیمانی شاغل در صنعت نفت، به شدت افزایش یافته است. روحیه اعتراضی کارگران به طور کلی و



کارگران غیررسمی صنعت نفت به طور خاص، به شدت بالا و شرایط به شدت انفجاری است. اعتراض و اعتصاب در نفت بر متن این زمینهها و برخاسته از شرایطی است که تحمل ناپذیر شده است. اعتصابات مکرر کارگران غیررسمی نفت به ویژه کارگران پیمانی و پروژههای که در قبال دشوارترین کارها پایین ترین دستمزدها را می گیرند، گویای همین واقعیت است. هیچ درجه ای از تهدید و سرکوب و خفقان پلیسی قادر نیست جلو این اعتصابات را بگیرد.

روز ۲۲ فروردین، کارگران پروژههای جوشکار در پتروشیمی سلمان فارسی سر بندر، دست به اعتصاب زدند، چهار روز بعد کارگران پترو پالایش دهلران (دشت عباس) در ۲۶ فروردین دست از کار کشیدند و همین برای آغاز یک اعتصاب سراسری در نفت کافی بود. با اعتصاب کارگران اکسیر صنعت، آباد راهان و چند شرکت دیگر در اول اردیبهشت، اعتصاب به سرعت برق و باد به سایر شرکتها و مراکز نفت و گاز و پتروشیمی تسری یافت و کارگران پروژههای شاغل در این شرکتها نیز به اعتصاب پیوستند. اعتصاب فراگیر کارگران پروژههای در ظرف یک هفته، بیش از ۱۰۰ شرکت و مرکز نفت و گاز و پتروشیمی را دربرگرفت. کارگران پروژههای شاغل دردها پالایشگاه از نمونه؛ پالایشگاه کنگان، ایلام، بید بلند بهبهان، آبادان، شیراز، اصفهان، شرکت مینا و پالایشگاه تهران و دهها پتروشیمی مانند پتروشیمی گچساران، کیان در عسولویه، بوشهر، سلمان فارسی (بوشهر)، صدف (عسولویه)، آبادانا (عسولویه)، دهلران، بندر جاسک، کرمان، هنگام، پترو پالایش کنگان، دماوند، رایان پلیمر، پادجم، پتروشیمی پارس، پتروشیمی رازی و... وارد اعتصاب

وحشت رژیم از گسترش اعتصاب سراسری نفت و همزمانی آن با اول ماه مه

اند و با اعتصاب و خواباندن چرخ تولید به استقبال روزجهانی کارگر می روند نیز یک اول ماه ویژه است.

بنابراین بسیار مهم بود و مهم هست که این اعتصاب موردحمایت جدی واقع شود. اما متأسفانه باید گفت این اعتصاب، آنچنانکه درخور و شایسته آن باشد، موردحمایت قرار نگرفت. برخی حتی از یک حمایت کاغذی و در حد صدور یک اطلاعیه حمایتی و پشتیبانی از مطالبات کارگران نیز دریغ کردند. تقریباً تمام انواع محافل و به اصطلاح تشکلهای کارگری مدعی دفاع از حقوق کارگر که در قبال اقدام و ابتکار عمل کارگران هفتتپه و راهاندازی کارزار اعتراض علیه مصوبه مزدی دولت و مبارزه برای لغو آن، سکوت کرده بودند، در مورد اعتصاب سراسری کارگران پروژههای نفت نیز به همان شکل عمل کردند. انگار که نه انگار اعتصابی شکل گرفته و کارگران پروژههای صنعت نفت دردها شرکت کار را تعطیل کردهاند! تنها ۵ روز بعد از آغاز اعتصاب در ۵ اردیبهشت وقتی که برخی از اینها متوجه شدند اعتصاب به حدی فراگیر شده که دیگر سکوت در این مورد ممکن نیست و این سکوت، قبل از هر چیز دوری هرچه بیشتر این محافل از کارگران و بی‌ربطی آن‌ها با مسائل واقعی کارگری را بیشتر برملا می‌کند، آنگاه در لایه‌لای موضوعات دیگر از اعتصاب کارگران پروژههای هم حرفی زدند و از آن حمایت شد. برخی دیگر ۶ روز ۷ روز پس از آغاز اعتصاب و وقتی که اعتصاب بیش از ۹۰ شرکت را در بر گرفته بود، تازه متوجه شدند کارگران پروژههای صنعت نفت دست به اعتصاب زده‌اند و زمانی هم که برای خالی نبودن عریضه از اعتصاب کارگران پروژههای و مبارزه این کارگران برای افزایش مزد و برای لغو مصوبه مزدی دولت حرف زدند، باز هم زیاد بردند یا ترجیح دادند فراموش کنند که اعتراض علیه مصوبه مزدی دولت و مبارزه برای لغو آن ابتکار عمل کارگران هفتتپه بود. سندیکای کارگران شرکت واحد که انتظار می‌رفت بلافاصله از اعتصاب کارگران پروژههای صنعت نفت حمایت کند، تنها ۸ روز پس از آغاز اعتصاب طی اطلاعیه‌های کوتاه از مطالبات کارگران پروژههای حمایت کرد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور نیز که سال گذشته از اعتصابات و تجمعات کارگری در اول ماه مه حمایت کرد و بجای ۱۲ اردیبهشت روز معلم، روز یازده اردیبهشت (اول ماه مه) و در حمایت و همبستگی با کارگران فراخوان تجمع داد، حتی یک کلمه در مورد این اعتصاب نگفت و نوشت. حمایت‌های شکلی با تأخیر زیاد بعدی که با ردیف کردن امضاهای بعضاً موهوم و نامعلوم به سبک و سیاق منشور بیست امضا به راه افتاد تا شاید آن تأخیر بامعنی با این درهم بافی و درهم‌آمیزی بی‌معنی جبران شود نیز دردی را دوا نکرد. تنها کارگران آگاه و مبارز هفتتپه و شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بودند که

بلافاصله از اعتصاب کارگران پروژههای نفت حمایت و همبستگی خود را با این کارگران اعلام کردند.

بسیار مهم‌تر از حمایت سازمان‌ها و تشکلهای ما، حمایت سایر کارگران در بخش‌های دیگر از اعتصاب نفت است. بسیار مهم است که کارگران در بخش‌های مختلف در زمان اعتصاب، یکدیگر را تنها نگذارند و از همدیگر حمایت کنند. بسی دردناک است وقتی که ذوب‌آهن اعتصابی یکپارچه و باشکوه را سازمان می‌دهد، کارگران فولاد و نفت و معدن و پتروشیمی و غیره از آن حمایت نمی‌کنند. در اعتصاب سراسری جاری کارگران پروژههای صنعت نفت، چنانکه پیش‌ازین نیز اشاره شد ده‌ها واحد صنعتی دیگر از جمله کارگران چندین معدن مس و فولادسازی و نیروگاه برق نیز وارد اعتصاب شدند. ورود این کارگران به اعتصاب، جبهه اعتصاب و جبهه کارگران در مقابل سرمایه‌داران و دولت را تقویت می‌کند. گرچه این اتحاد و همراهی کارگری در اعتصاب اخیر نسبت به اعتصابات گذشته افزایش یافته و پرنرنگ‌تر شده است اما این کافی نیست. هنوز جای بسیاری از کارگران از نمونه کارگران ذوب آهن، معادن زغال‌سنگ، ماشین‌سازی، معادن سنگ‌آهن و غیره خالی است. درست در چنین مواقعی است که کارگران باید به یاری هم برخیزند و اتحاد و همبستگی طبقاتی خود را در عمل نشان دهند.

موضوع بسیار مهم و حیاتی دیگر اما اتحاد کارگران در صنعت نفت است. بسیار مهم و حیاتی است که کارگران غیر پیمانی و غیر پروژههای یا به عبارتی دیگر کارگران قرارداد مدت معین و کارگران رسمی به حمایت از رفقای خود برخیزند. این حمایت اگر با اعتصاب این بخش از کارگران همراه شود نه فقط امکان عقب‌نشینی کارفرما و دولت و درجه موفقیت اعتصاب را بسیار بالا می‌برد، بلکه به اتحاد عملی و همبستگی کارگری در صنعت نفت که ضرورت تعمیق مبارزه طبقاتی است و زمینه‌ها و شرایط آن نیز تا حد زیادی فراهم است جامه عمل می‌پوشاند. در مرحله بعدی کارکنان رسمی صنعت نفت قرارداداند که البته پست‌های بسیار حساسی نیز بر عهده آنان گذاشته شده است و اعتصاب آن‌ها می‌تواند ضربات کاری مهمی بر دولت وارد سازد. حتی اگر این بخش از نیروی کار در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی بنا به هر

دلایلی وارد اعتصاب نشود، اتحاد و اعتصاب سراسری کارگران رسمی و غیررسمی (پروژه‌ای، قرارداد مدت معین و...) کافی است تا صنعت نفت را فلج کند و کارفرما و دولت را عقب براند.

اما کارگران پروژههای و پیمانی که موتور محرکه اصلی در مبارزات کنونی صنعت نفت محسوب می‌شوند، نمی‌توانند و نباید تا ورود این بخش‌ها به اعتصاب در یک روز خوش بهاری، دست روی دست بگذارند و به انتظار بنشینند. در همان حال که حاصل بذره‌ای اعتصابات پیشین را بایستی درو کنند، از بذرافشانی برای برداشت محصول بیشتر، غفلت نوزند. با این اعتصاب سراسری، شرایط برای درس‌آموزی از اعتصابات سه‌ساله اخیر و کاربست آن فراهم شده است. اگر ما نتوانیم اعتصاب کارگران دردها شرکت نفت و گاز را هماهنگ کنیم، اگر نتوانیم زمان و شرایط نسبتاً دقیق حمله یا دفاع و عقب‌نشینی را خود تعیین کنیم، این احتمال وجود دارد که سرمایه‌داران با مشتکی وعده و یا پذیرش موقت این یا آن خواست ما، این یا آن بخش از کارگران را به سرکار بازگردانند و در نهایت صف اعتصاب دچار ریزش شود بدون آنکه ما به اهداف و خواست‌های خود رسیده باشیم. پیروزی اعتصاب کارگران پروژههای درگرو ایجاد تشکل در محل کار و تولید است. تشکلهای کارگری از نوع کمیته‌های مخفی و کمیته‌های اعتصاب را در تمام شرکت‌ها و واحدهای نفت و گاز و پتروشیمی ایجاد کنیم و به سراسر مناطق نفت و گاز و پتروشیمی گسترش دهیم. از یاد نبریم که پیروزی ما درگرو اتحاد و همبستگی و مبارزه متحد ماست. اگرچه باید اعتراف کرد که ایجاد یک تشکل هماهنگ‌کننده و سراسری به خاطر پراکندگی پروژه‌ها و ماهیت کار پروژههای چندان آسان نیست، اما راه دیگری جز ایجاد تشکل و مبارزه متشکل وجود ندارد. کارگران پروژههای می‌توانند و از این تجربه تاریخی نیز برخوردارند که یک تشکل هماهنگ‌کننده و سراسری را سازمان دهند. این وظیفه کارگران پیشرو هر واحد است که با رفقای خود در واحدهای دیگر ارتباط برقرار کنند و از شرایط فعلی به‌عنوان فاکتوری مناسب و مساعد برای برپائی یک کمیته یا شورای هماهنگی کارگران پروژههای صنعت نفت استفاده کنند و تشکل مستقل و سراسری خود را سازمان دهند. در درون همین اعتصابات و مبارزات جاری است که باید رفقای سازمانده خود را بیابیم، خود را متشکل سازیم و تشکلهای مستقل خویش را برپا کنیم. از یاد نبریم که کلید پیروزی ما اتحاد و تشکل ماست.



اعتراضات پرستاران و نیاز به اعتصابی سراسری



بیمارستان‌های کشور وجود دارد. این شکاف ۵ تا ۶ برابر اعلام شده است.

در همین حال فشار کاری پرستاران نیز در ایران با کمتر کشوری در جهان قابل‌مقایسه است. تا جایی که برخی از پرستاران جان خود را زیر فشار کار و استرس از دست می‌دهند. این مسئله به‌وضوح خود را در دوران بیماری کرونا نشان داد. ایران در دنیا بالاترین آمار جان‌باختگان پرستاری را در این دوره ثبت کرد. معاون پرستاری وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در بهمن‌ماه سال ۹۹ گفت: از ابتدای شیوع کرونا در کشور (اسفند ۹۸) تاکنون ۱۰۰ پرستار جان خود را بر اثر این بیماری از دست دادند. بسیاری‌شان به دلیل عوارض بعد از ابتلا، از چرخه کار خارج شدند و طبق اعلام فرمانده ستاد مقابله با کرونا در کلان‌شهر تهران، در آذر سال گذشته، ۹ هزار پرستار درگیر عوارض این ویروس منحوس شدند. در کنار این فشارهای وارده بر پرستارها، بسیاری از آن‌ها با توجه به کمبود پرستار در زمان شیوع کرونا، طبق قراردادهای کوتاه‌مدت ۸۹ روزه بدون هیچ مزایا و حتی بیمه، جذب کار شدند و بعد از کاهش آمار بیماری و فوتی‌ها بدون تمدید قرارداد با آن‌ها یا خداحافظی شد یا برخی اخراج شدند.

گزارش‌های دیگر حاکی است که بیش از ۱۶۰ نفر از گروه پرستاری به دلیل ابتلا به کرونا جان‌شان را از دست دادند. کمبود کادر پرستاری و امکانات بیمارستانی، نقش اصلی را در مرگ و بیماری پرستاران در ایران داشته است.

به گفته محمد شریفی مقدم دبیر کل خانه پرستار ایران: "از نظر استاندارد در دنیا به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت به‌طور متوسط، پنج تا ۶ پرستار لازم است و در کمترین حالت حداقل ۳ پرستار؛ این در حالی است که در ایران طبق آخرین اطلاعات به ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۱/۶ پرستار وجود دارد که این میزان از حداقل هم کمتر است". اما به گفته معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان نظام پرستاری، در بعضی بیمارستان‌های تهران در نوبت شب، ۳۵ بیمار به ۲ و حداکثر ۳ پرستار سپرده می‌شود!

در صفحه ۷

پرستاران شیراز خواسته‌ی مهم خود را «اجرای صحیح تعرفه گذاری خدمات پرستاری» و «رفع تبعیض در نظام درمانی» عنوان کردند و گفتند: وعده‌های مسئولان برای بهبود معیشت پرستاران همگی توخالی بوده است. باوجود قول و قرار مسئولان مبنی بر اعمال قانون تعرفه گذاری، تعرفه پرستاران مانند سایر گروه‌های تعرفه دار شاغل در وزارت بهداشت محاسبه و پرداخت‌نشده و اصلاح آیین‌نامه تعرفه گذاری، پشت درهای بسته تنظیم‌شده و منافع پرستاران را نادیده گرفته است.

روز هفتم اردیبهشت نیز پرستاران اهوازی در مقابل دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز تجمع اعتراضی خود را حول همین مطالبات برپا کردند. این تجمعات اعتراضی ادامه دارد.

پرستاران ایران سال‌هاست که برای بهبود شرایط کار و معیشت خود، از طریق مبارزه برای افزایش حقوق، کاهش فشاری که در نتیجه کمبود شدید نیروی پرستار بیمارستان‌ها بر آن‌ها وارد می‌شود، تلاش کرده‌اند. با این وجود، حقوق پرستاران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان در سطح بسیار نازلی قرار دارد. یک مقایسه با چند کشور همسایه، به‌وضوح سطح بسیار پائین حقوق پرستاران ایران و وضعیت وخیم شرایط مادی آن‌ها را نشان می‌دهد.

متوسط حقوق پرستاری در حال حاضر حدود ۱۰ میلیون تومان اعلام شده است. اما



متوسط حقوق ماهانه پرستاران در امارات، معادل ۲۳۲ میلیون تومان، عربستان سعودی ۱۴۰ میلیون، کویت ۹۰ میلیون، قطر ۸۰ میلیون، عمان، ۸۰ میلیون و عراق ۷۰ میلیون تومان است. یعنی متوسط حقوق پرستاران در امارات ۲۳ برابر ایران و در عراق، ۷ برابر است. نکته دیگری که پرستاران ایران با آن روبه‌رو بوده و به آن معترضند، شکاف فاحشی است که میان متوسط دریافتی یک پزشک و پرستار در

دانشگاه علوم پزشکی شهر اراک تجمع اعتراضی برپا کردند.

در روزهای ۱۶ و ۱۹ فروردین پرستاران مشهد در مقابل استانداری تجمع اعتراضی برپا کردند. اینها از قول یکی از این پرستاران نوشت: «مهم‌ترین خواسته من و همکارانم اصلاح آیین‌نامه تعرفه گذاری خدمات پرستاری است؛ آیین‌نامه فعلی توسط اعضای عالی نظام پرستاری کشور و البته مدیران ارشد وزارت بهداشت، پشت درهای بسته نوشته‌شده و در تنظیم و تدوین آن، از



نمایندگان واقعی و از بدنه برخاسته پرستاران کشور نظرخواهی نکرده‌اند. حالا که بعد از ۹ ماه تمام، معوقات تعرفه گذاری را با هزار سلام و منت به حسابمان ریخته‌اند، تازه فهمیده‌ایم که چه کلاه‌گشادی سرمان رفته است، این تعرفه گذاری که آقایان بانی و مسبب آن بوده‌اند، اصلاً تعرفه گذاری نیست! هر که می‌زش بزرگتر، امتیازش بیشتر است، هر که در قبال بیمار پرمسئولیت‌تر و پرکارتر، امتیازش کمتر.»

در روزهای ۲۱، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ فروردین، پرستاران در قزوین، کردستان، قم و مجدداً قزوین در مقابل استانداری‌ها یا دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند و اعتراض خود را به عدم اجرای صحیح تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری ابراز داشتند.

پرستاران قزوین گفتند: وزارت بهداشت علیرغم اعتراضات پرستاران تا امروز پاسخی به مطالبات ما نداده است؛ ما انتظار داریم هرچه زودتر آیین‌نامه‌ی تعرفه گذاری ساخته‌ی نظام پرستاری ابطال و آیین‌نامه‌ی جدیدی بر مبنای عدالت و با مشارکت نمایندگان واقعی پرستاران نوشته و ابلاغ شود.

چهارم اردیبهشت پرستاران سنج، با تجمع در مقابل استانداری اعلام کردند وعده‌و وعید نمی‌خواهیم، سفره‌هایمان خالی است و باید روش پرداخت در نظام درمان تغییر کند. ششم اردیبهشت جمعی از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز در اعتراض به تعرفه گذاری و پرداختی‌ها تجمع کردند.

اعتراضات پرستاران و نیاز به اعتصابی سراسری



همچنان مضحک است.

وی به این نکته نیز اشاره کرد که «رقم ۱۲۰ هزار تومان به جیب پرستار نمی‌رود، بلکه بیمه به کاسه بیمارستان واریز و بیمارستان ۱۴ درصد آن را بابت فوریت‌ها و مسائل آموزشی کسر و ۱۰ درصد هم به‌منظور مالیات کسر می‌شود. به‌این‌ترتیب حدود ۹۰ هزار تومان در کاسه پرستار قرار می‌گیرد که این مبلغ هم بین ۳ پرستار تقسیم می‌شود و با این شیوه تعرفه گذاری، پرستار را تحقیر کرده‌اند. بنابراین آنچه تحت عنوان رشد ۳۰ درصدی ارزش نسبی خدمات پرستاری مطرح‌شده، صرفاً بازی با کلمات است، چون ارزش خدمت گروه پرستاری برای یک بیمار در طول ۲۴ ساعت به‌اندازه ویزیت یک پزشک هم نیست و ای‌کاش تعرفه گذاری را به این شیوه اجرا نمی‌کردند.»

روزنامه اعتماد نیز نوشت: «یکی از پرستاران شاغل در بیمارستان آموزشی واقع در مرکز تهران به «اعتماد» می‌گوید: «در بیمارستان ما برای کمک بهیار حدود ۳ الی ۵ میلیون تومان و برای پرستاران حدود ۲۲ میلیون تومان به‌عنوان معوقات تعرفه خدمات پرستاری سال ۱۴۰۱ واریز شده و بنابراین، هر پرستار به ازای ۱۹۷ ساعت کار موظف و ۱۵۵ ساعت اضافه‌کار در طول یک ماه، حدود یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار تومان به‌عنوان تعرفه خدمات پرستاری دریافت کرده که این رقم، حتی از میزان دریافتی ما بابت اضافه‌کار یا کارانه ماهانه کمتر است چون همراه به ازای اضافه‌کار حدود ۳ میلیون تومان دریافتی داریم و کارانه ماهانه هم همین حدود است و مجموع دریافتی ماهانه ما با تجمیع کارانه و اضافه‌کار به ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد.»

آنچه اکنون پرستاران خواستار آن هستند، بازبینی و تدوین مجدد آیین‌نامه و تغییر

در صفحه ۸

سلامت آنان می‌رساند. حال با این اوصاف، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر سر حتی اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری همان بازی را درآورده است که بر سر اجرای رتبه‌بندی معلمان و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان درآورد و به قول شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، آن را سلاخی کرد. دبیر کل خانه پرستار نیز عنوان می‌کند آنچه به نام تعرفه گذاری خدمات پرستاری اجرا شده، فقط کاریکاتوری از تعرفه گذاری است.

در پی مبارزاتی که پرستاران به‌ویژه در دهه ۸۰ برای بهبود وضعیت و خیم خود داشتند، سرانجام سال ۱۳۸۶ قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری به تصویب مجلس رسید تا گویا تغییری لااقل در وضعیت معیشتی پرستاران ایجاد شود. اما اجرای آن به بهانه‌های مختلف به تعویق افتاد تا این‌که در سال ۱۴۰۱ قرار شد ظاهراً اجرائی شود. این اجرا اما در واقع آن چیزی نبود که پرستاران انتظارش را داشتند. «پرستاران انتظار داشتند پس از اجرای تعرفه گذاری، تحولی عمده در دریافتی‌هایشان به وجود بیاید ولی این اتفاق نیفتاد و به‌عنوان مثال از بابت تعرفه گذاری برای ۹ ماه فقط مبلغ ۵ میلیون تومان به‌حساب پرستار واریز شده است!» باوجود قول و قرار مسئولان مبنی بر اعمال قانون تعرفه گذاری، تعرفه پرستاران مانند سایر گروه‌های تعرفه دار شاغل در وزارت بهداشت محاسبه و پرداخت‌نشده و اصلاح آیین‌نامه تعرفه گذاری به عقیده پرستاران، پشت درهای بسته تنظیم‌شده و منافع آنان را نادیده گرفته است.

دبیر کل خانه پرستار در گفت‌وگو با «رسالت» می‌گوید: طرحی که برای تعرفه‌های پرستاری ارائه داده‌اند مبتنی بر تخت بیمارستانی است درحالی‌که تعرفه گذاری خدمات تمامی گروه‌ها بر اساس مدل فی فور سرویس (پرداخت به ازای خدمت) است. طبق مدل جدید تعرفه گذاری خدمات پرستاری، ارزش تمام خدمات یک بیمار از گروه پرستاری در طول ۲۴ ساعت ۹۰ هزار تومان است و اکنون با رشد ۳۰ درصدی، ۱۲۰ هزار تومان می‌شود که

این در حالی است که هم‌اکنون در سوئیس و نروژ به ازای هر هزار نفر ۱۸ پرستار، در آلمان ۱۲، هلند ۱۱، کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حدود ۹ و در چین با جمعیت نزدیک به ۱/۵ میلیاردی آن، ۳/۲۷ پرستار است.

روشن است که در ایران چه فشاری از این بابت بر پرستاران که گاه ناگزیرند اضافه‌کاری نیز داشته باشند تحمیل می‌شود و در همان حال چه لطماتی از این کمبود به بیماران و حتی مرگ بسیاری از مردم ایران وارد می‌آید.

کمبود پرستار در ایران امروز به حدی است که یک پرستار، به «اعتماد» می‌گوید: طی دو ماه اخیر، یکی از بخش‌های جراحی



بیمارستان محل خدمتش، به بهانه بازسازی و تعمیرات تعطیل‌شده درحالی‌که علت واقعی تعطیلی این بخش، کمبود شدید نیروی پرستاری بوده است.

رئیس شورای عالی نظام پرستاری دی‌ماه سال گذشته در پاسخ به سؤال ایسنا مبنی بر اینکه «کشور با چه میزان کمبود در تعداد نیروهای پرستاری مواجه است؟» گفت: «اگر حتی حداقل استاندارد نیروی انسانی را به میزان حداقل دو پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی نیز در نظر بگیریم؛ در این صورت، بیش از ۱۰۰ هزار پرستار در کشور کم داریم. تعداد نیروهای پرستاری در بیمارستان‌ها بسیار کم است و این در حالی است که بیماران بستری‌شده نیاز به مراقبت دارند و نبود پرستاران باعث کاهش کیفیت ارائه خدمات به بیماران شده و آسیب به

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

اعتراضات پرستاران و نیاز به اعتصابی سراسری

مناسبات اجرای تعرفه گذاری خدمات پرستاری است.

یکی از پرستاران در گفت‌وگو با خبرنگاری این‌ها می‌گوید: «باید تعرفه پرستاران را مانند سایر گروه‌های تعرفه دار شاغل در وزارت بهداشت محاسبه و پرداخت و بیمه‌ها را نیز متقاعد کنند که همین فرمول را به کار ببرند.»

اما در مورد افزایش تعداد پرستاران و کاستن از فشار ناشی از کار و اضافه‌کاری نیز هیچ اقدام جدی به نفع پرستاران صورت نگرفته و وعده‌های وزارت بهداشت عملی نشده است.

دبیر کل خانه پرستار می‌گوید: "در ایران پس از اوج‌گیری کرونا، هیچ‌گونه استخدامی انجام نشده و تنها جذب نیروی ۸۹ روزه صورت گرفت که قراردادهای آن‌ها به‌ممرور با طولانی شدن روند کرونا تمدید شد.

آخرین آزمونی که برای استخدام پرستاران انجام شد، ۳۹ هزار نفر پذیرش شدند و از این تعداد تنها حدود ۱۰ درصد کادر پرستاری جذب شدند که رقم بسیار کمی بود" وی می‌گوید: سالانه ۷ تا ۸ هزار پرستار از چرخه درمان خارج می‌شوند. این در حالی است که ورودی نیروی پرستار به سیستم درمانی در عمل به صفر رسیده و در سال ۹۹ یک آزمون استخدامی برگزار و ۱۳ هزار پرستار جذب شد و دیگر آزمونی برای جذب نیرو صورت نگرفته است. این در حالی است که وضعیت پرستاران ۸۹ روزه حل‌نشده است.

دبیر کل خانه پرستار همچنین می‌گوید: پرستاران دوازده مدل قرارداد دارند؛ پرستاران ۸۹ روزه، پرستاران شرکتی، تبصره ۳، تبصره ۴، پیمانی، قراردادی، رسمی و... مدل‌های مختلف قرارداد پرستاران هستند. مزد و مزایای هرکدام از این پرستاران باهم تفاوت دارد در حالی که کار همه‌ی آن‌ها یکی است. الان حدود ۳۵ درصد از پرستاران شرکتی هستند و قرارداد آن‌ها موقت است و این به استنثار کشیدن نهایت بی‌اخلاقی است. چرا باید پرستاران را در پیک کرونا به کار بگیرند و بعد از سه ماه که پیک خوابید از کار بیکار کنند؟ حدود ۴۵ درصد از پرستاران ما قرارداد موقت هستند که ما انتظار داریم تبدیل وضعیت شوند.

با این توضیحات وقتی که به مشکلات جدی و لاینحل پرستاران نگاه شود، پاسخ این سؤال روشن است که چرا درحالی‌که نظام درمانی در بحران به سر می‌برد و با کمبود شدید پرستار مواجه است، هم‌ساله تعدادی پرستار از ایران به کشورهای دیگر

مهاجرت می‌کنند. اخیراً اعلام شد که آن‌ها ترجیح می‌دهند به سمت مشاغل آزاد بروند و حتی مسافرشکی کنند.

در همین رابطه معاون سازمان نظام پرستاری نیز با اشاره به کمبود پرستار در ایران اعلام کرد که ماهانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند. این در حالی است که ایران با کمبود ۱۰۰ هزار پرستار مواجه است. از دلایل موج مهاجرت پرستاران، مساعد نبودن وضعیت استخدامی، وضعیت مالی و معیشتی، نبود امنیت شغلی و نداشتن تسهیلات رفاهی، فرسودگی شغلی و میزان بالای سختی کار و اضافه‌کارهای اجباری، رعایت نشدن نسبت پرستار به بیمار و غیره است، که روزبه‌روز، آینده سلامت کشور را تهدید می‌کند."

تحت این شرایط، جمهوری اسلامی اما نه‌فقط هیچ اقدام جدی برای حفظ پرستاران و حل معضلات آن‌ها انجام نداده، بلکه آنچه را هم که با تصویب قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری پذیرفت، سال‌ها به بهانه‌های مختلف از جمله نبود بودجه به تعویق انداخت و اکنون هم آن چیزی را عملی می‌کند که کاریکاتور قانون تعرفه‌های پرستاری است و موردپذیرش پرستاران نیست.

جمهوری اسلامی در طی چند دهه گذشته به پرستاران نیز نشان داده است که بدون مبارزه حاضر نیست کمترین مطالبه آن‌ها را بپذیرد. اکنون بر سر اجرای قانونی که

پس‌از آن همه مبارزه به تصویب رسید، دبه درآورده است. بنابراین، پرستاران حتی برای اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، چاره‌ای ندارند، جز این‌که مبارزات خود را تشدید کنند. برای این‌که چنین مبارزه‌ای مؤثر واقع شود، مبارزات منفرد و پراکنده کنونی جوابگو نیست. پرستاران باید از تجارب معلمان و کارگران پروژه‌های که هم‌اکنون در جریان است، بیاموزند و هم‌زمان در سراسر کشور به اعتصاب روی آورند، تا لاقلاً بتوانند همین یک خواست خود را عملی کنند.

در واقعیت امر، جمهوری اسلامی نه می‌تواند و نه می‌خواهد خواسته‌های اساسی پرستاران را عملی کند و نه به سیستم بهداشتی و درمانی از هم‌گسیخته سروسامانی بدهد. برای یک دولت اسلام‌گرای پاسدار منافع سرمایه‌داران، آنچه اولویت دارد، نه سیستم بهداشت و درمان، نه رفاه پرستار، بلکه غارت، چپاول و استنثار و به جیب زدن سودهای کلان توسط طبقه حاکم و اختصاص منابع کلان بودجه به هزینه‌های هنگفت لشکر میلیونی نیروهای نظامی و سرکوب انگل برای حراست از نظم ارتجاعی حاکم بر ایران است. مادام که جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهد، هیچ چشم‌اندازی برای بهبود سیستم بهداشت و درمان کشور و رفاه واقعی پرستاران و کل پرسنل درمانی وجود ندارد. تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی در ایران است که سلامت مردم ایران و ارتقای نظام بهداشت و درمان کشور اولویت مهمی کسب می‌کند و رفاه پرستاران و تمام پرسنل بهداشتی و درمانی کشور تأمین خواهد شد.



کودکانی که کشته شدند، کودکانی که شکنجه و آزار دیدند

شکنجه با شوکر، تعرض جنسی، نگهداری کودکان بازداشت شده با بزرگسالان نامرتب، بازداشت بدون تماس با خانواده، ضرب و شتم، تهدید با چاقو، بازپرسی آزاردهنده، محاکمه های نامنصفانه، استفاده نیروی قهریه کننده علیه کودکان، دستگیری کودکان مجروح و بدون مراقبت پزشکی از آنان، حمله و دستگیری کودکان در مدارس و منع بازگشت کودکان بازداشت شده به مدرسه، از جمله سرفصل های گزارش دیدبان حقوق بشر است. گزارش فوق با تاکید بر اینکه هر کدام از سرفصل های آزار و اذیت کودکان به صورت چند جانبه از طریق تماس با خانواده ها، سایت ها، خبرنگاران، فعالان اجتماعی و اسناد مندرج در رسانه های دولتی جمهوری اسلامی راست آزمایی شده اند، جزئیات بیشتری از جنایات جمهوری اسلامی را در معرض دید عموم جهان و جهانیان گذاشته است.

تصویر روشنی از انبوه جنایات بی شمار هیئت حاکمه ایران از جمله کودک کشی که این روزها در شهرها و جلوی مدارسی که مورد تهاجم مسموم سازی نیروهای مزدور رژیم قرار می گیرند، توسط خانواده ها و مردم معترض با شعار "مرگ بر حکومت بچه کش" و "حکومت بچه کش نمی خواهیم" بازتاب یافته است.

اکنون دیگر بر همگان روشن است، آنچه را که جمهوری اسلامی در حملات شیمیایی به مدارس دخترانه دنبال می کند، ادامه همان انتقام گیری از دختران دانش آموزی است که در جنبش "زن، زندگی، آزادی" پا به پای زنان دلاور ایران به خیابان آمدند، در جشن روسری سوزان شرکت کردند و با دور افکندن حجاب اجباری به رویاری مستقیم با جمهوری اسلامی برخاستند.

بی تردید، با گزارش جدید دیدبان حقوق بشر، فصل دیگری بر کتاب قطور جنایات جمهوری اسلامی اضافه شد و رسوایی دیگری برای این نظام کودک کش در عرصه جهانی مستند شد. پوشیده نیست، مجموعه شرایط انقلابی حاکم بر جامعه و تشدید بحران های فزاینده جمهوری اسلامی، موقعیت خطیری را در مقابل عموم توده های مردم ایران گذاشته است که ادامه کاری یک روز این رژیم هم برای جامعه فاجعه بار است. شرایط عینی جامعه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از هر جهت فراهم است.

آزار و اذیت کودکان، اکنون پس از گذشت ۷ ماه از شروع موج جدید اعتراضات خیابانی و پیامد آنهمه کشتار و مرگ و شکنجه ای که بر زنان و جوانان و کودکان دانش آموز رفته است، دیدبان حقوق بشر، با انتشار یک گزارش مفصل از اوضاع متلاطم ایران اعلام کرده است، جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات جنبش انقلابی اخیر، کودکان را "به شکل سیستماتیک مورد آزار جنسی و جسمی" قرار داده اند.

در گزارش دیدبان حقوق بشر آمده است: رژیم حاکم بر ایران در قالب مجموعه ای از نقض های جدی، کودکان را کشته، شکنجه کرده و مورد تعرض جنسی و ناپدیدسازی قرار داده است. مقامات ایران بر خلاف حفاظت های حقوقی، کودکان را تحت بازداشت، بازجویی، و پیگرد قرار داده و قضات، خانواده کودکان را از دسترسی به وکلای منتخب شان برای دفاع از آن ها باز داشته اند. کودکان را با اتهامات مبهم محکوم کرده اند، و آن ها را خارج از دادگاه های نوجوانان - که اختیار منحصر به فرد قضایی در حوزه کودکان را دارا هستند - مورد محاکمه قرار داده اند. نیروهای امنیتی، کودکان را بدون اطلاع به خانواده شان دستگیر کرده و بعضاً برای هفته ها در بازداشت نگه داشته اند. دانش آموزان آزاد شده از بازداشت، از بازگشت به مدرسه منع شده اند با مقامات رژیم پوشش حمایت اجتماعی خانواده شان را قطع کرده اند که منجر به اشتغال کودکان شده است.

اگرچه خانواده ها و در گستره ای وسیعتر توده های مردم ایران به خوبی از ابعاد جنایات جمهوری اسلامی در مورد کشتار کودکان و شدت آزارهای جنسی و جسمی وارده بر آنان آگاه هستند، اما از آنجا که گزارش دیدبان حقوق بشر به عنوان یک نهاد بین المللی غیر دولتی، گزارشی مکتوب و مستند از قتل و کشتار و رنج های رفته بر کودکان در هفت ماه گذشته است، طبیعتاً انتشار آن بازخوردی جهانی داشته و از این منظر می تواند در ابعاد وسیعتری اذهان نهادهای مدنی، افکار عمومی و نیروهای مترقی جهان را بر کودک کشی و دیگر جنایات سیستماتیک جمهوری اسلامی متمرکز سازد.

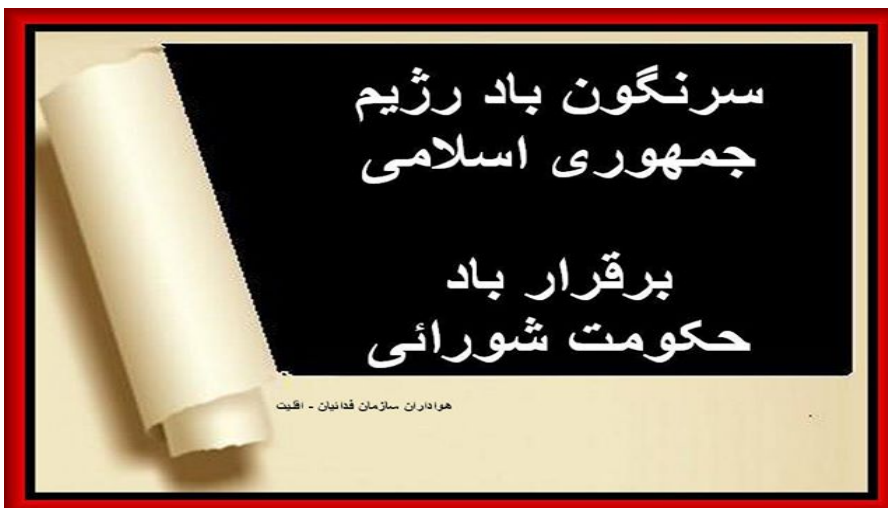
گذشته در کف خیابان ها با شلیک مستقیم گلوله یا ضربات باتوم مزدوران رژیم کشته شده اند. نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل زاده، امید سارانی، مهسا موگویی، ابوالفضل آدینه زاده، حنا کیهان، کیان پیرفلک، علی براهویی، آرنیکا قائم مقامی، مهدی موسوی نیکو، ستاره تاجیک، سدیس کشانی، غزاله چلوی و ده ها تن دیگر از جمله کودکان هستند که در همان هفته های نخست جنبش انقلابی اخیر توسط آدمکشان جمهوری اسلامی در کف خیابان به قتل رسیدند. عفو بین الملل، در گزارش خود سن کودکان کشته شده ماه های اخیر را ۱۱ تا ۱۷ سال عنوان کرده و گفته است: نیروهای امنیتی این کودکان را کشته اند تا بلکه به زعم خود با اعتراضات سراسری مردمی علیه جمهوری اسلامی مقابله کند.

علاوه بر این تعداد از کودکان جان باخته، هزاران کودک و نوجوان دیگر نیز در مدرسه و خیابان دستگیر و روانه زندان شدند. تعدادی از این دانش آموزان دستگیرشده به گفته "یوسف نوری" وزیر آموزش و پرورش برکنار شده کابینه رئیس، برای اصلاح رفتار به مراکز "روان درمانی" منتقل شدند و تعداد دیگری نیز از رفتن به کلاس درس محروم گشته اند.

علی فدوی جانشین فرمانده سپاه پاسداران، در همان ماه های اولیه جنبش انقلابی، میانگین سنی هزاران بازداشت شده را ۱۵ سال اعلام کرد. بر اساس روایات خانواده ها و کودکان از بند رسته، دختران و پسران دانش آموز در ایام بازداشت، با انواع شکنجه مواجه بوده و شدیدترین آزارهای جسمی و روحی بر جسم و جان شان فرود آمده است. فشار جسمی و روانی بر کودکان دستگیر شده، آنچنان سنگین و ویران کننده بوده است که تعدادی از آنان بعد از آزادی توان ماندن از دست داده و اقدام به خودکشی کردند.

عرشیا امامقلی زاده، نوجوان ۱۶ ساله جلفایی، یلدا آقافضلی، دختر ۱۹ ساله تهرانی و هستی حسین پناهی، دختر دانش آموز ۱۶ ساله اهل شهرستان دهگان از جمله بازداشت شدگانی هستند که به فاصله چند روز پس از آزادی خودکشی کرده و با به طرز مشکوکی جان باختند. عرشیا امامقلی زاده، تنها دو روز بعد از آزادی اقدام به خودکشی کرد. بر اساس آخرین فایل صوتی برجای مانده از صحبت های یلدا آقافضلی که با دوستش در نخستین روز پس از آزادی صحبت کرده است، او سرحال است و از اینکه بازجو در برگه اش نوشته "متهم اظهار پشیمانی نکرد" ابراز خوشحالی می کند. هستی حسین پناهی نیز، در پی فشار نهادهای امنیتی و تهدید به اخراج از مدرسه خودکشی کرد. این دختر نوجوان پس از خروج از حراست و در پی فشارهای وارده بر جسم و جان او در حالی که سوار خود رو بود، خود را به پایین پرتاب کرد.

آنچه جنایات جمهوری اسلامی را در این بازه زمانی نسبت به دوره های پیشین آن متمایز کرده است، همانا کثرت دانش آموزان بازداشت شده، تعداد بالای کودکان جان باخته و شدت آزار جنسی و جسمی اعمال شده بر آنان در زندان و بازداشتگاه است. با چنین حجمی از کشتار و



کودکانی که کشته شدند، کودکانی که شکنجه و آزار دیدند

و فزاینده که جز با سرنگونی این نظام سرایا جنایت و براندازی نظم طبقاتی موجود، پایانی بر آن متصور نیست.

این حجم از خشم و نفرت ماندگار در جسم و جان توده های مردم ایران که ریشه در وحشیانه ترین سرکوب های ۴۴ ساله حاکمان جمهوری اسلامی دارد، ممکن است برای نسلی که از فجایع و کشتارهای عریان دهه ۶۰ بی خبر مانده است، چندان قابل فهم نباشد. اما همین نسل جوان امروزی که سرکوب خیزش انقلابی دیماه ۹۶ را تجربه کرده است، کشتار ۱۵۰۰ تن از جوانان معترض را در قیام شکوهمند آبان ۹۸ به چشم دیده است، و مهمتر از آن، در گستره ای وسیعتر، شاهد سرکوب و کشتار صدها تن از توده های مردم ایران خاصه کشتار کودکان را در جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱، به گونه ای تلخ تر از آن سال های دور سپری شده دیده و تجربه کرده است، اکنون می تواند درک کند در طی ۴۴ سال گذشته چه بر سر پدران و مادران و نسل های پیشین آنان رفته است. نسل جوان امروز، اکنون می تواند با چشم جان ببیند، چه جان های شیفته و بی قراری در سال های حاکمیت جمهوری اسلامی به خاک افتادند و چه تعداد کودکانی در حسرت دیدار مادران و پدران خود سوختند. همان کودکان باز مانده از کشتار

دهه ۶۰، که اکنون در قامت پدران و مادران میانسال نظاره گر قهرمانی ها و دلوری های فرزندان جوان و کودکان خود در کف خیابان و زندان و شکنجه گاه های جمهوری اسلامی هستند. این نسل جوان کنونی که از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱، در متن تحولات یک جنبش انقلابی فراگیر ایران قرار گرفته است، اکنون با رژیم آدمکشی مواجه است که زنان و جوانان و کودکان در سیل کشتار و اذیت و آزار دستگاه های امنیتی آن قرار گرفته اند.

در موج جدید جنبش انقلابی توده های مردم ایران که زنان پیش قراولان آن بودند، از آنجا که دانش آموزان، خاصه دانش آموزان دختر با حضور خیابانی خود به جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی"، وزن و اعتبار بیشتری به آن دادند، به همان نسبت حساسیت رژیم نیز به رویارویی آشکار آنان با جمهوری اسلامی بیشتر شد. سلحشوری زنان، بویژه دلوری دانش آموزان در مبارزات کف خیابانی، آنچنان بر جمهوری اسلامی گران آمد که سرکوب و کشتار و شکنجه کودکان و دانش آموزان به امر روز مره این رژیم تبدیل شد.

بر اساس گزارشات و مستندات منتشر شده، دست کم بیش از ۶۰ کودک و نوجوان، طی ماه های ۹ در صفحه ۹

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1018 May 2023



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند.

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید.
مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.
مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی